

Mansoor Hekmat Week 2009

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پربار منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۲۱-۱۴ خرداد ۱۳۸۸



به مناسبت هفته
بزرگداشت منصور
حکمت

مصاحبه درباره شعار
فدرالیسم:

فدرالیسم شعاری
ارتجاعی است

ص ۲

اکتبر ۲۲

نشریه کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ خرداد ۸۸ (۷ ژوئن ۲۰۰۹)

سر دبیر: رضا دانش
Rz.Danesh@gmail.com

انتخابات

کارگران و بورژوازی
ناسیونالیست کرد

مظفر محمدی

بیانیه ۱۴۸ نفر از کمونیستهای کردستان در مورد
مضحکه انتخابات رژیم

دهمین مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در راه است. تمامیت رژیم با سردمداران و جناح های مختلف آن با هر درجه از اختلاف و جنگ و دعوی خانگی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای تلاش مشترکی را آغاز کرده اند و حداقل در این مورد خاص که جلب مشارکت بیشتر مردم در عرصه نمایش انتخابات است اختلافی با هم ندارند.

هر چهار کاندیدای ریاست جمهوری (کروبی، موسوی، رضایی، احمدی نژاد) از جنایتکاران قدیمی و امتحان پس داده و قابل اعتماد نظام اسلامی سرمایه و مورد تایید شورای نگهبان و از مریدان ولایت فقیه هستند. مسئله مهم برای رژیم، کسب مشروعیت نظام از طریق شرکت وسیع مردم در انتخابات است.

ص ۷

از همان آغاز نمایش انتخابات ریاست جمهوری، بورژوازی ناسیونالیست کرد و سخنگویان و نمایندگانشان در درون و بیرون حاکمیت، از کردهای مقیم مرکز، فراکسیون کردها در مجلس اسلامی، نهادهای حقوق بشری قومی و احزاب ناسیونالیست کرد (حزب دمکرات کردستان، پژاک و غیره) منتظر شدند و بو کشیدند تا از نفس کدام یک از کاندیداها بوی قومی به مشام می رسد. سر انجام کروبی این آرزوی ناسیونالیست ها را نمایندگی و اعلام کرد که ایشان حقوق قومی را برسمیت می‌شناسند! این وعده انتخاباتی کافی بود تا آب آرد لب و لوجه ناسیونالیست ها آویزان شده، جارو جنجال تبلیغاتی راه بیندازند و فراخوان های حمایت صادر کنند.

کارگران در کردستان اما در این ماجرا بی طرف، بی تفاوت و نظاره گر نیستند. اینکه کارگران در مراسم انتخابات بورژوازی که خود می برند و میدوزند شرکت نمی کنند جای شک و تردید نیست. اینکه کارگران نباید برای لفاظی قومی کروبی و توقعات و توهمات حقیر ناسیونالیست ها تره خرد کنند، باز جای شک و تردید نیست.



بیانیه اعلام موجودیت کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان

ص ۵

آدمکشان و جانیان را باید انتخاب کرد یا محاکمه؟ یاسین حسینی

ص ۶

ادبیات و مباحثی که به کمونیسم کارگری در عراق شکل داد

رحمان حسین زاده ص ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مصاحبه با منصور حکمت درباره شعار فدرالیسم: فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

انترناسیونال: در بیانیه آمده است که طرح شعار فدرالیسم توسط برخی احزاب ایدئولوژیک از وجود چنین مطالبه ای در میان مردم نیست. در این صورت انتشار این بیانیه چه لزومی داشت؟

منصور حکمت: نه فقط شعار فدرالیسم جایی در ذهنیت و زندگی مردم ندارد، بلکه هویت قومی و قوم‌گرایی بطور کلی هم در بین میلیون‌ها مردم ساکن ایران محلی از اعراب ندارد. اما این متأسفانه برای مصون داشتن مردم از فجایع و تراژدی‌های که قوم پرستی و قوم پرستان می‌توانند ببار بیاورند کافی نیست. به دنیای اطراف خود نگاه کنید و رویدادهای این دو سه دهه اخیر را مرور کنید. حکومت شرع و دولت آخوندی چه زمینه ای در ایران قرن بیستم داشت؟ ظاهراً هیچ. این مردمی بودند که هشتاد سال پیش تر مشروعه چیان را به روزی انداختند که میدانیم. آخوند یک قشر انگلیسی‌آبرو و اسباب‌مضحکه مردم در شهر و ده بود. دختران دو نسل قبل از ما بی حجاب مدرسه میرفتند. موسیقی و سینما جزء لاینجزای زندگی مردم بود. با اینحال،

امروز در آن جامعه جنون الهی و جهالت دینی و جانوران اسلامی حکم میرانند. یوگسلاوی، یک جامعه مدرن صنعتی و با هر استاندارد امروزی جامعه ای متمدن بود. یوگسلاوها از این صحبت میکنند که چگونه قیل از این ماجراها قومیت و ملیتشان یادشان نبود. تصور چنین اوضاعی برایشان ممکن نبود. که هنوز هم باورشان نمیشود و نمیدانند چه شد که چنین شد.

اینکه قومیت و قوم پرستی در جامعه ایران ریشه و زمینه قوی ندارد و اینکه خواست فدرالیسم جایی میان مردم ندارد، به این معناست که روندها و جریانات و جنبشهای اصلی در جامعه به این سمت سیر نمیکنند. اما سوال اینست که چقدر جامعه در برابر تحریکات قوم پرستانه مصونیت دارد و چقدر از پیش در مقابل هجوم آتی این واپسگرایی و ارتجاع قومی آمادگی دفاع از خودش را دارد. بقول نادر بکتاش ناسیونالیسم و قوم پرستی مانند ویروسهایی هستند که در حالت خفته به حیات خودشان ادامه میدهند و تحت شرایط خاصی فعال

میشوند و حتی گاه اپیدمی ایجاد میکنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه امروز ایران یک بیماری سیاسی - فرهنگی رایج نیست. اما نه ریشه کن شده و نه جامعه در برابر آن واکنش میدهد. وجود همین فدرالیست‌ها و جماعات عقب مانده ای که از هم اکنون در اوج وقاحت و سفاهت صدور شناسنامه‌های قومی برای مردم در ایران را شروع کرده اند، گواه این است که این ویروس ریشه کن نشده است و میتواند، بخصوص در یک شرایط متحول و متلاطم سیاسی، مصائب زیادی ببار بیاورد. صدور این بیانیه برای ایجاد آمادگی و مصونیت در جامعه است. صدور این بیانیه همچنین اعلام بی‌شبهه این واقعیت به ناسیونالیست‌ها و قوم پرستان و ملیون و روشنفکران ناقص‌العقل پیرامونی‌شان است که کمونیسم کارگری قاطعانه جلوی این واپسگرایی میایستد و این جماعات و این تمایلات ضد انسانی و ضد کارگری را میان مردم رسوا میکند. نمیشود مردم را بیست سال با مذهب اسیر کنند و بکوبند و بعد بیست سال دیگر هم با قومیت و ملیت. ما اجازه نمیدهیم.

مخالف و تشکلهای کارگری در کردستان در مقابل این صف رنگارنگ بورژواها و تشکیلات هایشان میبایست صف مستقل طبقاتی خود را نمایندگی کنند. این صف مستقل کارگری باید علناً اعلام کند که سیاست و مطالبات احزاب و جریانات قومی و ناسیونالیست در کردستان، سیاست و مطالبات کارگران و زحمتکشان کردستان نیست. کارگران اعلام میکنند که توده کارگر و زحمتکش در کردستان برای هیچ فراخوانی از جانب احزاب و جریانات قومی ناسیونالیست ارزشی قایل نیست و به آن وقعی نمی‌نهد. راه کارگران از راه بورژوازی جدا است. منافع طبقه کارگر و سرمایه داران جدا است و سیاست و شیوه اداره جامعه از جانب طبقه کارگر با بورژوازی جدا است.

مخالف و تشکلهای کارگری در کردستان در مقابل این صف رنگارنگ بورژواها و تشکیلات هایشان میبایست صف مستقل طبقاتی خود را نمایندگی کنند. این صف مستقل کارگری باید علناً اعلام کند که سیاست و مطالبات احزاب و جریانات قومی و ناسیونالیست در کردستان، سیاست و مطالبات کارگران و زحمتکشان کردستان نیست. کارگران اعلام میکنند که توده کارگر و زحمتکش در کردستان برای هیچ فراخوانی از جانب احزاب و جریانات قومی ناسیونالیست ارزشی قایل نیست و به آن وقعی نمی‌نهد. راه کارگران از راه بورژوازی جدا است. منافع طبقه کارگر و سرمایه داران جدا است و سیاست و شیوه اداره جامعه از جانب طبقه کارگر با بورژوازی جدا است.

نفس شرکت نکردن و رای ندادن کارگران و مردم زحمتکش و خانواده هایشان در کردستان به معنای دخالت در این اوضاع و به رسمیت نشناختن نمایش مسخره بورژوازی به نام انتخابات است.

اما این هنوز کافی نیست. کارگران سوسیالیست و فعالین و محافل کارگری در کردستان به علاوه وظیفه مهم دیگری نیز برعهده دارند. کارگران باید رسماً و علناً به ناسیونالیست‌ها و اعوان و انصارشان اعلام کنند که هیچکدام نماینده مردم زحمتکش کردستان نیستند. منافع بورژوازی کرد با منافع کارگران تماماً مغایر است. منافع بورژوازی کرد با برادران طبقاتی‌اش در سطح سراسری و در حاکمیت یکی است.

بورژوازی کرد و جریانات و احزاب متعلق به این طبقه صف کشیده اند و با طرح مطالبات خود از دولت و کاندیداها و با اعلام حمایت از این و آن کاندیدا به میدان آمده اند. کارگران سوسیالیست و

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی



انترناسیونال: بیانیه ظهور شعار فدرالیسم را مستقیماً به مسأله ربط داده است. در این مورد توضیح بیشتری لازم است.

منصور حکمت: همانطور که گفتیم اسم گذاری ملی و قومی مردم، تا چه رسد به کشمکشهای ملی و قومی میان بخشهای مختلف جامعه یک پدیده دیر پا، رایج و همه گیر در کشور نیست. واضح است که در فولکلور عقب مانده اقوام (هر قومی)، خودپسندی قومی و شووینیسم و بیگانه ترسی و غیره هست. در همه کشورها، حتی در یکپارچه ترین "ملل" هم این هست، و ظاهراً تا وقتی سرمایه و سرمایه داری هست این نوع شکاف انداختن میان مردم هم باقی خواهد بود. ایران هم استثناء نیست. اما، هر ناظری که ریگی به کفش و دستور کار پنهانی دیگری نداشته باشد، اذعان میکند که جامعه ایران جامعه ای نیست که چنان در چنگال کشمکش و عدم تحمل قومی و ملی عاجز شده باشد که حکیمی بخواهد با نوشداروی فدرالیسم سراغش بیاید.

وقتی دقت میکنید میبینید پیدا شدن سر و کله این مقوله در دور اخیر مستقیماً به مسأله کرد و معاملات و مذاکرات حزب دموکرات با اپوزیسیون ملی مربوط میشود که به زعم دموکراتها فردا قرار است دولت مرکزی را در ایران بدست بگیرند. تمام مسأله حزب دموکرات اینست که برچسب تجزیه طلب نخورد، بخصوص چون توحش ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی و جناباتی که حاضرند تحت لوای دفاع از "تمامیت ارضی" بکنند را میشناسد. خود حزب دموکرات لاجرم در صف مقدم "ایرانیت" و دفاع از "تمامیت ارضی" قرار گرفته است. وقتی عفت داداش پور در نشریه نيمروز از دبیرکل حزب دموکرات، آقای ملا عبدالله حسن زاده، نظرش را درباره موضع حزب کمونیست کارگری میپرسد (برسمیت شناسی حق جدایی کردستان، مراجعه به آراء خود مردم کردستان در یک فراندوم بر سر جدایی یا باقی ماندن بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در چهارچوب ایران)، جناب حسن زاده برآشفته میشود که: "خیر ما تجزیه طلب نیستیم" و برای

اطمینان خاطر دولت مرکزی بعدی مرزبندی آتشینی با ما بعمل میآورد. حزب دموکرات خودمختاری میخواهد و به این نتیجه رسیده است که با تعمیم دادن خواست خود به کل کشور، با بدست دادن فرمولی که در آن ناسیونالیسم کرد در برابر یک دولت ناسیونالیست مرکزی تک نباشد، بهتر به این نتیجه میرسد. فرمول فدرالیسم کمک میکند حزب دموکرات خودمختاری بخواهد بدون اینکه کردستان موردی استثنایی تلقی شود. فدرالیسم یعنی "به همه ملل متشکله ایران" خودمختاری بدهید، از جمله به ملت کرد به رهبری حزب دموکرات. حال اگر بقیه مردم در ایران، و از جمله بخش وسیعی در خود کردستان لزوماً خود را با برچسب های قومی فارس و لر و گیلک و افغانی و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن تعریف نمیکند، چه باک.

در آنسوی این بده بستان ارتجاعی، جریانات ناسیونالیست ایرانی قرار دارند که خود را با مسأله کرد روبرو میبینند و این را یکی از گره گاههای اصلی تثبیت حکومت آتی شان تلقی میکنند. اینها در شعار فدرالیسم درچه ای برای لاپوشانی مسأله کرد، اجتناب از مراجعه به آراء خود مردم و بند و بست با حزب دموکرات میبینند.

منشاء بحث فدرالیسم محاسبات فرصت طلبانه و پا درهوی چند حزب سیاسی درباره مسأله کرد است، این بخودی خود نه چندان نگران کننده است و نه پاسخگویی به آن از مجرای تبلیغات روزمره کمونیستی و ضد ناسیونالیستی دشوار است. اما در کنار طرفین اصلی این بحث، که هر کدام منافع مادی شان را دنبال میکنند، مطابق معمول یک صف کامل از کسانی را پیدا میکنیم که میپندارند بنا به شغل شریف روشنفکری و مطبوعاتی، یا بنا به نیازهای گروه داری خود، باید حتماً بدون تعق و بنا به مد روز چیزی بگویند و خود شیرینی کنند، و اینها به شهادت سرنوشت تلخ مردم یوگسلاوی و شوروی، خطرناک ترین عناصر در چنین شرایطی هستند. واقعا باور نکردنی است که کسی از پنجره خانه اش بازی بچه اش و بچه های همسایه را نگاه کند، سپس آهی بکشد و قلمش را دست بگیرد و جاهلانه مردم یک کشور ۶۰ میلیونی را به ۹ ملیت و

۱۳ قومیت و ۵ گروه زبانی و قس علیهذا تقسیم کند و نسخه بپیچد که اینها باید شهرها و محلات را مطابق جدول ایشان بین خود تقسیم کنند و روبروی هم بایستند. اگر اینگونه افکار سفیهانه نتایجی اینچنین خونبار در پی نداشت، شاید حتی مایه خنده مستمعین میشد. اما اینها دانسته و ندانسته جاده صاف کن پاکسازی های قومی و اعدامهای جمعی فردا هستند. اینها دارند علیه زندگی و جان آن بچه های بیرون پنجره توطئه میکنند و حساسیت مسأله اینجاست.

این دنیای ۳۰ سال قبل نیست. انقلاب الکترونیک و انفورماتیک و پیدایش رسانه های سمعی و بصری جهانی، ژورنالیسم نوکر و مهندسی افکار را به یک فاکتور تعیین کننده در معادلات قدرت و سیر اوضاع سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل کرده است. حتی ابلهانه ترین و دور از ذهن ترین تمایلات سیاسی و نسخه های اجتماعی، اگر در چهارچوب وسیع تر طبقاتی و جهانی بدرج بخشهایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع پر و بال داده میشود و به اذهان مردم تحمیل میشود. مسأله از محاسبات خرد حزب دموکرات و تتمه احزاب ملی و جمهوریخواه و آریامهری بسیار فراتر است. اینها بازیچه اند. ما باید کل بازی را غیر ممکن کنیم.

این را هم بگویم که تا آنجا که به مسأله کرد مربوط میشود این خود مردم کردستانند که باید در یک فراندوم آزاد درباره جدایی و یا باقی ماندن بعنوان شهروندان با حقوق برابر در چهارچوب ایران تصمیم بگیرند. فقط این تصمیم، هر چه که باشد، اصولیت و مشروعیت دارد. مسأله کرد بر سر سهم گرفتن حزب دموکرات و سایر احزاب خودمختاری طلب در ساختار قدرت و سپرده شدن "حاکمیت کردستان" به آنها، از بالای سر مردم، نیست. بند و بست و مذاکرات و معاملات احزاب بر سر کردستان فاقد هر نوع مشروعیت است.

انترناسیونال: برخی سازمانهای چپ گفتند که حزب ما در مخاطراتی که در مقاله "سناریوی سیاه و سفید" بیان شده اغراق کرده است. فکر نمیکنید به این بیانیه هم چنین برخوردی بشود؟ ←

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی



منصور حکمت: بین خودمان باشد، من ضمن بیشترین احترام به تک تک اعضا و فعالین و رهبران خانواده چپ ضد سلطنتی و سنتی ایران بعنوان انسانهایی که بالاخره با هر زبانی خیر مردم زحمتکش را میخواهند، باید بگویم بعنوان احزاب و سازمانهای سیاسی نه اینها را سوسیالیست میدانم و نه باوری به قدرت تشخیص آنها و قابلیت آنها در ایفای نقش کارسازی در دنیای پس از جنگ سرد دارم. این یک طیف سپری شده و بی افق است. جوانان جبهه ملی و حزب توده اند که اکنون خود دیگر پیر شده اند. برخورد این طیف با این بیانیه فاکتور مهمی نیست. مهم تر شاید، برخورد بیانیه به آنهاست.

اما بیانیه اصولاً خطاب به اینها نیست. خطاب به مردم و بویژه به طبقه کارگر است، که به معنی اجتماعی و سیاسی و تاریخی این کلمات و شعارها توجه کنند و به دام ملی گرایی و قوم پرستی نیفتند، که برای مقابله با آن آماده باشند. بر خلاف بحث سناریوی سیاه و سفید، ما اینجا تاکید کرده ایم که احتمال تحمیل شعار فدرالیسم به جامعه امروز ایران بسیار ضعیف است. بنابراین بحث اغراق بر سر سیر اوضاع عینی نیست. بحث بر سر کثافت نهفته در خود شعارها و تبیین های ملی و از جمله شعار فدرالیسم است. در این اساسا نمیشود اغراق کرد و هرچه گفته شود هنوز کم است.

انترناسیونال: آیا میشود گفت این شعار خصلت نمای احزاب و جریانات مطرح

کننده آن است و به این اعتبار باید درباره آنها قضاوت کرد؟ آیا با این بیانیه نحوه برخورد و رابطه حزب با جریاناتی که مدافع فدرالیسم هستند تغییر میکند؟

منصور حکمت: بنظر من در سطح نظری میشود احزاب را بر مبنای این شعار قضاوت کرد. همانطور که مذهبی بودن، شوینیسیت ملی بودن، سلطنت طلب بودن و یا مخالفت با برابری زن و مرد، در متن تاریخ سیاسی معاصر ایران برای ارتجاعی نامیده شدن یک جریان کافی است، اعتقاد به صدور شناسنامه قومی برای مردم و تشکیل دولت مبتنی بر ملیت و قومیت نیز برای ارتجاعی خوانده شدن یک جریان کافی است. اگر سوالی هست اینست که آیا عمق کثافت شعار فدرالیسم و معانی ضد اجتماعی و ضد انسانی و ضد کارگری آن در سطح وسیع شناخته شده هست یا خیر. شاید هنوز خیر. این ایجاب میکند که بدوا برای یک دوره تلاش کنیم این فرمول از برنامه و تبلیغات احزاب اپوزیسیون حذف بشود. البته واضح است که از هم اکنون هر جریانی را که آگاهانه و مصرانه از فدرالیسم و سازمان قومی جامعه دفاع کند باید یک جریان ارتجاعی به حساب آورد.

انترناسیونال: این بیانیه چه فعالیتهایی را در برابر فعالین حزب میگذارد؟ فعالین حزب در برابر جریاناتی که شعار فدرالیسم را مطرح میکنند چه باید بکنند؟

منصور حکمت: واضح است که نمیشود و لازم هم نیست که اینجا لیستی از اقدامات

بدهیم. اصل قضیه این است که ما محتوای واقعی این شعار را، با تمام وجود و با پشتکار برای مردم روشن کنیم. احزابی که این شعار را طرح میکنند باید فشار نقد ما را هرجا هستند و هرجا میروند روی خودشان حس کنند. باید تفکر و سیاست قومی و ملی را بی آبرو کرد، همانطور که تفکر و سیاست مذهبی امروزه بی آبرو و منفور است. باید اگر نه کل مردم زحمتکش، لااقل بخش های پرتحرک و فعال طبقه کارگر در ایران آنچنان آگاهانه از ارتجاع ملی و قوم پرستی، که شعار فدرالیسم صرفاً یک بسته بندی لوکس تر آن است، بیزار و متنفر و نسبت به آن حساس باشند که هیچ نیرویی نتواند فردا جلوی پیشروی کارگر و کمونیسم کارگری را با علم کردن کشمکش ها و فجایع قومی سد کند و مردم را به روزی بیاندازد که در یوگسلاوی دیدیم. تبلیغات و اکسیونهای ما باید ظهور توجمان ها و ایزت بگوچ ها و کارادیچ ها و ملادیچ ها و میلوسویچ ها و ژیرینفسکی های وطنی را غیر ممکن کند. در یک جمله، هم باید حضور ذهن مردم را بالا برد و هم به قوم پرستان و اسپانوسورهای فردایشان فهماند که با یک نیروی کمونیستی کارگری سازش ناپذیر و بدون توهم روبرو هستند.

۰۰۰

اولین بار در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در شماره ۲۱ انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم
صفحات ۳۲۵ تا ۳۳۰

ادامه از ص ۸

انقلابی و کمونیستی به تئوری و سیاست و رهبری انقلابی و کمونیستی نیازمند است.

سالار رشید و همکارانش کار با ارزش یکسال ونیم گذشته گردآوری و انتشار آثار حکمت را الزاماً به مناسبت هفته حکمت شروع نکردند، اما من به سهم خود در هفته حکمت ۲۰۰۹ این اقدام بارزش آنها را به عنوان هدیه ای گرانبها در هفته حکمت امسال ارج میگذارم و برای سالار رشید و همکارانش آرزوی موفقیت دارم.

۴ ژوئن ۲۰۰۹

اولین روز هفته حکمت

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان:

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

مستقیماً تأثیر گرفته از همین ادبیات مارکسیستی حکمت بود. ناگفته نماند از سال ۱۹۹۱ بعد با به وجود آمدن امکان ارتباط فشرده و عملی و مستقیم رهبران کمونیست در عراق با منصور حکمت تحولات جنبش کمونیستی و کارگری در عراق شتاب جدیدی به خود گرفت. بازگویی فشرده این روند، به ما نشان میدهد ۵۲ مبحث گردآوری شده منصور حکمت در این دو مجلد، انباشته از تاریخ تحولات مهم و تعیین کننده در جامعه عراق و کردستان است. انبوه کلمات، عبارات و جملات ظاهراً ساکت و بیجان سیاه روی سفید نوشته شده در ۱۱۹۱ برگه دو جلد سرخ برگ آثار منتخب منصور حکمت در پراتیک سیاسی و اجتماعی زبان رسای حق طلبی کمونیستی بوده که کارگر و انسان دردمند آن جامعه در طی دو دهه علیه نظم سرمایه و دولتها و جریانات مدافع آن در کمپ ناسیونالیسم عرب و کرد و جریانات مذهبی به آن متکی بوده اند. مجموعه نوشته های این دو مجلد هر کدام و در مجموع مهر تاریخ یک مبارزه انقلابی را به خود دارند، که نسل کمونیستی این جامعه در دو دهه گذشته آن را چراغ راهنمای خود قرار داده است. اما نکته قابل توجه اینست علاوه بر نسل دوره گذشته، همانطور که سالار رشید اشاره کرده است نسل چپ و فعالین کارگری و کمونیست دوره جدید در عراق و کردستان عراق کماکان میتوانند این دو جلد آثار حکمت را به عنوان اهرم نیرو بخش مبارزه طبقاتی پیش رو به دست بگیرند. چون جنبش

بیانیه اعلام موجودیت کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان

ما امضا کنندگان زیر به عنوان هیات موسس، موجودیت "کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان ایران" را اعلام میکنیم.

اهداف کانون:

دفاع از حقوق برابر زنان با مردان و مقابله با هر گونه تبعیض جنسی و تحقیر و خشونت علیه زنان توسط قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی و فرهنگ عقب مانده و مردسالار در ابعاد اجتماعی در جامعه و خانواده . کانون میکوشد تا صدای اعتراض زنان در کردستان و سخنگوی آمال و آرزوهای انسانی آنها برای ایجاد جامعه ای انسانی و آزاد و برابر باشد.

کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان در جهت تحقق اهداف فوق، وظایف زیر را در دستور کار قرار میدهد:

- ۱- تلاش برای بستن سدی و ایجاد صفی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در کردستان در مقابل تعرض دولت و ارتجاع محلی به حقوق و حرمت انسانی زنان.
- ۲- کمک به ایجاد شبکه های زنان و دختران مبارز با ارتباطات اجتماعی در محیط کار و در مدارس و محلات برای آگاهگری و ایستادگی در مقابل هرگونه ستم جنسی از جانب قوانین ضد زن و یا فرهنگ مردسالار در جامعه و خانواده .
- ۳- نقد و افشای هر گونه سیاست، فرهنگ و ادبیات ارتجاعي که ستمکشی و نابرابری زن و مرد را با استناد به مذهب توجیه کرده و یا با توسل به ناسیونالیسم و قوم پرستی در صفوف مبارزه متحد زنان در ابعاد سراسر ایران تفرقه ایجاد میکند.
- ۴- تلاش بیوقفه در جهت جلب همبستگی و حمایت کارگران و مردم آزادیخواه در کردستان، از حق برابر زن و مرد و اشاعه فرهنگ مدرن و انسانی در برابر ارتجاع و فرهنگ مردسالار در جامعه.
- ۵- کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان، همه زنان و مردان برابری طلب در کردستان را به سازماندهی کارزاری اجتماعی برای ایجاد فضایی انسانی و برابر که در آن هر گونه ستم و تبعیض جنسی و نابرابری و نگاه مردسالار به زن مذموم و مایه شرم مدافعین آن باشد، فرا میخواند.
- ۶- کانون تلاش میکند تا صدای زنان مبارز و برابری طلب در کردستان را به گوش همسرانشان خود در سراسر ایران و مجامع و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق زن برساند.

هیات موسس کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان:

- ۱- مریم افراسیابپور
- ۲- نسرین محمودی آذر
- ۳- سهیلا ترکیه
- ۴- نظیره معماری
- ۵- سالار کرداری
- ۶- سوسن هجرت

هیات موسس کانون، در اولین نشست خود، در تاریخ ۴ خرداد ۸۸ مریم افراسیابپور را به عنوان دبیر کانون انتخاب نمود.

خرداد ۸۸ (ژوئن ۲۰۰۹)

زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

آدمکشان و جانیان را باید انتخاب کرد یا محاکمه؟

یاسین حسینی

نقش شورای نگهبان، فواید و محسنات این نهاد فوق ارتجاعی در تشخیص معروفات و منکرات برای نظام اسلامی ایران بر همه مشخص و عیان می باشد و به دور از انتظار نبود که از میان این همه جانور اسلامی و از این ماشین غربال اسلامی تنها می توانست وحشی ترین و درنده ترین نشان که در به قتل عام کشاندن آزادیخواهان و انسانهای معترض و انقلابی نقش موثر داشته اند و همچنین در ایجاد سرکوب و خفقان و تحمیل فقر و گرسنگی به جامعه ایران در این سه دهه از حکومت جمهوری اسلامی بهترین و بیشترین نقش را داشته باشند، عبور نمایند. افرادی که صلاحیتشان مورد تأیید این نهاد قرار گرفته، نمونه بارزی از همین جانمایی هستند که به قدمت تاریخ حکومت اسلامی سرمایه در تحمیل تمام بی حقوقی، خفقان، سرکوب، سنگسار، اعدام و فقر و فلاکت موجود در جامعه نقش به سزایی را ایفا کرده اند که البته و خارج از اینکه متعلق به کدامین جناح از جمهوری اسلامی باشند، این افراد بدون شک تمام سعی و تلاششان در جهت تداوم و بقای کلیت نظام و حکومت اسلامی خواهد بود و این مهم جز از راه ادامه سرکوب و ارباب و اعدام، امکان و راه دیگری نخواهد داشت و در واقع معنی عملی این مسئله به معنای تداوم حمله به زنان و جوانان، کارگران پیشرو، آزادیخواهان و کمونیستهای جامعه و سرکوب شدیدشان خواهد بود.

در دوره های گذشته علی الرغم تمام تلاشها و هشدارهای کمونیستها، مردم به توهم اینکه از طریق رأی دادن به یکی از کاندیداهای جناح مقابل میتوانند، شکاف و فرجی را در درون حاکمیت بوجود بیاورند در پروسه رأی گیری شرکت میکردند اما شکست "جنیش اصلاحات" و جریان دوم خرداد آب سردی را روی تمام این توهمات موجود در جامعه ریخت و بخش اعظم زمینه های فکری چنین جریان و تفکری را به نابودی کشاند و در همانحال این شکست مهر تأییدی را به تمام هشدارها و نوع برخورد و انتخاب سیاستهای کمونیستی و رادیکال در طول تمام این دوره ها زد. این دیگر به واقعیتی روشن در جامعه تبدیل شده است که مردم در ایران از طریق دخالت در مضحکه انتخابات و از بالا و با توجه به این سیستمی که در ایران موجود است غیرممکن است که بتوانند حتی تغییری جزئی برای منافعشان به این نظام تحمیل نمایند.

انتخابات در جمهوری اسلامی را اما نمی توان در قاموس هیچ نوع از انتخاباتهای موجود و متعارف در دنیا گنجانید، تحمیل و قالب کردن چنین شعبده بازی و مضحکه ای از طرف حاکمان اسلامی ایران به عنوان انتخابات، جز تحقیر و توهین به بشریت متمدن امروزی، اسمش را چیز دیگری نمی توان گذاشت. بشریت متمدن و مردم آزادیخواه ایران تحت هیچ شرایطی این توهین و حقارت را از جمهوری اسلامی نباید بپذیرند و نخواهند پذیرفت.

اما با در نظر گرفتن تمام این تفاسیر و با توجه به اینکه در ایران حکومتی به شدت پلیسی، خشن و اسلامی قدرت را در دست دارد آن چیزی که انتخابات اسمش را می گذارند به شدت فیلتر و کنترل می شود و بدون شک همیشه مهره های کلیدی نظام نامبرده از فیلتر شورای نگهبان و صندوقهای رأی گیری سر در خواهند آورد بر این اساس با شرکت در مضحکه که اسمش را انتخابات گذاشته اند، هیچ که نمی توان تغییری را به این سیستم گشتار و سرکوب تحمیل نمود بلکه و بر خلاف تصور، این عمل تنها مهر تأیید و رسمیت دادن به کلیت نظام سرمایه داری اسلامی با تمام مکانیزمهای قتل عام و زندان و سنگسارش خواهد بود. لذا مردم معترض و تحت ستم تنها از طریق اعتراض و مبارزه ای مداوم و از پایین جامعه و از راه ایجاد تشکلهای توده ای در محیط کار و زندگیشان و همچنین سازمان دادن اعتراض و مبارزه هر روزه به شیوه ای منسجم و متحد در تمام مصافهای پیش رویشان، می توانند جمهوری اسلامی را به چالش بگیرند. اینجا باید روی این مسئله تأکید کرد که اعتراض و مبارزه متشکل و اجتماعی تنها راه و اهرمی است که می تواند نظامهای خودکامه و استبدادی را مجبور به عقب نشینی نموده و از این طریق می توان خواستها و مطالبات درخواستی را از طرف مردم معترض به این رژیمها تحمیل نمود و در نهایت می توان با اعتراضی سراسری و انقلابی کلیت چنین نظامهای را زیر و رونمود.

تحریم انتخابات بدون سعی نمودن در افشا و حتی سد و پیکت کردنش به تنهایی نمی تواند سیاست و عملی رادیکال باشد و به نوعی می توان گفت حتی یک نوع امتیاز دادن و به رسمیت شناسی چنین انتخاباتهایی می باشد یعنی انگار ما جماعت یا گروهی هستیم که نظام الهی سهم ما را در انتخابات پایمال کرده است در صورتیکه ما کمونیستها و تمام انسانهای آزادیخواه نه تنها هیچ نقطه اشتراکی با این نظام و انتخاباتش نداریم بلکه کل این بند و بساط و شعبده بازی اسلامی را توهین به شعور انسان و مایه ننگ بشریت تلقی می نماییم و سیاست ما در خدمت افشا نمودن و در حد امکان و بسته به توازن قوای موجود در جامعه سعی درسد و پیکت نمودن چنین شعبده بازیهای بوده و خواهد بود.

مسئله مهم دیگری که لازم است روی آن تأکید شود این می باشد که جمهوری اسلامی با انواع شگردهای سیاسی و تردستی کامل، تلاش دارد که مهره های کلیدی و آدمکشهای حرفه ایش را به عنوان کاندیداتور و شخصیتهای قابل انتخاب و اجتماعی به توده های مردم قالب نماید، که در مقابل این وظیفه ما انسانهای آزادیخواه و سوسیالیست و آگاه جامعه است که با دخالتی موثر و فعال، باید شخصیت واقعی این جانیان را برای جامعه فاش نموده و نقششان را در گشتار و قلع و قمع کردن انسانهای معترض و مبارز را به مردم یادآور شویم و در همانحال نباید اجازه دهیم که مردم صورت مسئله و این بازی سیاسی را از جمهوری اسلامی قبول نموده و به پای صندوقهای رأی کشانده شوند. لازم است به این نکته توجه شود که اگر مردم قرار است در پروسه و جریانی شرکت نمایند بایستی همان پروسه به دادگاه کشاندن این آدمکشان و جانیان باشد، اینها باید همان کسانی باشند که به جرم جنایت علیه بشریت از طرف مردم به دادگاه علنی کشانده می شوند. این آدمکشها باید محاکمه شوند نه انتخاب.

خرداد ۸۸

به گارد آزادی به پیوندید

ادامه بیانیه از ص ۱

جمهوری اسلامی از منظر مردم ایران فاقد مشروعیت است و در سی سال گذشته با اعدام بیش از یکصد هزار نفر، با سرکوب وحشیانه اعتراضات مردمی و جنبشهای اجتماعی کارگران و زنان و... و با تحمیل فقر و فلاکت به جامعه ایران این حقیقت را به اثبات رسانده است. جمهوری اسلامی تنها با اهرم زندان و شکنجه و شلاق و اعدام و سنگسار توانسته است موجودیت خود را حفظ کند و همچنان در قدرت بماند. بدون تردید اگر مردم فرصت انتخاب داشته باشند، انتخاب آنان رفتن جمهوری اسلامی است. و این امر را با اعتراضات روزمره خود در محل کار و زندگی بارها و بارها نشان داده خواهند داد.

ناسیونالیسم کرد در اپوزیسیون و اپوزیسیون در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری نیز همچون دوره های قبل فرصت را غنیمت شمرده و با ادعای نمایندگی مردم با سران جنایتکار جمهوری اسلامی وارد چانه زنی شده و تلاش دارند مردم را به پای صندوقهای رای بکشانند و از این راه هدف خود را که همانا سهم شدن در قدرت است متحقق سازند، برای ناسیونالیسم کرد هیچگاه فقر و فلاکت کارگرو زحمتکش، آزادی بیان، اجتماعات و تشکل، رهایی زن و آزادی و برابری مطرح نبوده است و مخالفت و غرولند آنان با جمهوری اسلامی تنها از زوایه منفعت طبقه سرمایه دار محروم از قدرت مرکزی و شریک شدن در کیسه ناشی میشود.

حزب دمکرات کردستان - ایران (حدک) و حزب آزاد کردستان (پاک) در اطلاعیه ای مشترک برنامه کروی برای اقلیتهای قومی و مذهبی را مثبت و برای جلوگیری از انتخاب کاندید مورد نظری فقیه یعنی احمدی نژاد به مردم فراخوان شرکت در مضحکه انتخابات را داده اند، جبهه متحد کرد، اتحادیه دانشجویان کرد، انجمن کردهای مقیم مرکز، نمایندگان ادوار کرد، فراکسیون نمایندگان کرد مجلس از کروی پشتیبانی کرده اند.

کارگران، زنان، جوانان و مردم ستمدیده و مبارز کردستان

در این نمایش رقت انگیز شرکت نکنید. اجازه ندهید به نام شما و به نیابت از شما تنور این نمایش را گرم کنند و برای جمهوری اسلامی زمان بخرند تا همچنان به جنایت و کشتار مخالفان و ناراضیان

ادامه دهد. این چاکران آستان سرمایه و مزدوران جمهوری اسلامی را افشا و طرد کنید. دشمنی این جریانات درسی سال گذشته با آزادیخواهی و برابری طلبی و دفاع از مهره های مختلف جمهوری اسلامی نظیر خمینی، بنی صدر، خاتمی و اکنون کروی نشاندهنده ظرفیت و توان این نیروها در دشمنی با آزادی و خواستههای برحق شما مردم است.

طبقه کارگرو زحمتکش هیچ منفعت مشترکی با رژیم جمهوری اسلامی و جنبش ناسیونالیستی ندارد. اگر نفع این طبقه در ماندگاری بربریت و توحش اسلامی و حکومت سرمایه داری است، نفع طبقه کارگرو در نابودی جمهوری اسلامی و پایان بردگی مزدی است. برای رسیدن به آزادی و برابری، رفاه و خوشبختی و ساختن دنیایی عاری از ظلم و ستم برچیدن بساط دستگاه سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی اولین قدم است.

با مبارزه متحدانه و اعتراضات سازمان یافته همه ما این مضحکه انتخاباتی رژیم را به شکست بکشانیم.

امضا کنندگان

۱- ناصر مرادی ۲- ابراهیم باتمانی ۳- بدی گلچینی ۴- مریم افراسیابپور ۵- محمد خضری ۶- فاطمه محمدی ۷- رسول بناوند ۸- سهیلا ترکیه ۹- مختار محمدی ۱۰- سوسن هجرت ۱۱- محمد راستی ۱۲- فرهاد رسولی ۱۳- همایون گدازگر ۱۴- صالح سرداری ۱۵- عمر احمدزاده (نگلی) ۱۶- جلال محمودزاده ۱۷- سعید یگانه ۱۸- محمد یگانه ۱۹- وفا نصرت پور ۲۰- روناک زندی ۲۱- ساکار احمدیان ۲۲- یاسین حسینی ۲۳- آرش حسینی ۲۴- پرویز شادیمقدم ۲۵- جمشید اساسی ۲۶- مریم مصطفی سلطانی ۲۷- طاهر شعبانی ۲۸- فاطمه اقدامی ۲۹- عثمان رسولی ۳۰- حسن ساوجبلاغی ۳۱- صلاح ایران دوست ۳۲- موسی یوسفی ۳۳- حسین احمدی نیا ۳۴- مصطفی یونس ۳۵- جلال برخوردار ۳۶- حسین مرادی ۳۷- ثویبه مرادی ۳۸- حبیب مرادی ۳۹- افسانه شریفی ۴۰- سیفه حیدری ۴۱- پروین چابککاری ۴۲- سیروس چابککاری ۴۳- فاتح شیخ ۴۴- هوشنگ زیبایی ۴۵- چیمن دارابی ۴۶- گلباغ سلیمی ۴۷- توفیق محمدی ۴۸- عزا آدمی (آباجی) ۴۹- سلام زیجی ۵۰- سحر احمدی ۵۱- سیامک محبوب ۵۲- عبدالله دارابی ۵۳- ابوبکر شریف زاده ۵۴- سیوان رضایی ۵۵- عزت دارابی

۵۶- سارا احمدی ۵۷- نسرين باباسلجی
۵۸- حصیبه چوپانی ۵۹- شب بو مرادی
۶۰- شهلا کریمی ۶۱- سالار کرداری
۶۲- آفاق وکیلی ۶۳- شهلا وکیلی ۶۴-
گلاویژ محمدی ۶۵- فواد ترابیان ۶۶-
کیوان کتابی ۶۷- یحیی محمدی ۶۸- نبی
مولینان ۶۹- سوران بادفر ۷۰- ناصر
علی پناه ۷۱- محمود گیلی کران ۷۲-
جلیل رضایی ۷۳- علی شریف زاده ۷۴-
بهمن تقی پوریان ۷۵- سردار قادری ۷۶-
فواد آقا بیگزاده ۷۷- محمد فضلی ۷۸-
کامیار احمدی ۷۹- آرام خوانچه زر ۸۰-
حمال پیرخضرائیان ۸۱- محمد مراد
امینی ۸۲- غفور زرین ۸۳- آمینه احمدی
۸۴- رییوار رسولی ۸۵- سیامک شعاعی
۸۶- محمد علی قادری (یمینان) ۸۷-
محمد علی بهمنی ۸۸- نسرين شیرزاد
۸۹- ثنا پیرخضرائیان ۹۰- فرج شهابی
۹۱- محمود شهابی ۹۲- نازدار احمدی
۹۳- بانو نوری ۹۴- بریا مولودنژاد ۹۵-
ملکه عزتی ۹۶- ابراهیم خانی ۹۷- سعید
کشاورز ۹۸- عزیز عبدالله پور ۹۹- قادر
محمد نژاد ۱۰۰- عثمان ملا ۱۰۱- کمال
اویهننگ ۱۰۲- علی امجدیان ۱۰۳-
نسرين سنه ۱۰۴- علی رشتی ۱۰۵- خالد
حاج محمدی ۱۰۶- قدرت ریاحی ۱۰۷-
آرام رحیمی ۱۰۸- نسرين امیری ۱۰۹-
رحمان حسین زاده ۱۱۰- نورالدین الهامی
۱۱۱- امید حسینی ۱۱۲- شرافت
کیوان ۱۱۳- قادر محمودپور ۱۱۴- فواد
آزاد ۱۱۵- گلاویژ قادرنژاد ۱۱۶- محمد
جعفری ۱۱۷- کمال رضایی ۱۱۸- آزاد
زمانی ۱۱۹- محمود سلیمی ۱۲۰- سعید
قادریان ۱۲۱- محسن حسینی ۱۲۲- جواد
اصلانی ۱۲۳- نظیره معماری ۱۲۴-
رحمت فاتحی ۱۲۵- رئوف افسائی ۱۲۶-
جمیل خوانچه زر ۱۲۷- علی مطهری
۱۲۸- شفیع چوپانی ۱۲۹- اسماعیل
خودکام ۱۳۰- جمال بهرامی ۱۳۱- فرهاد
امینی ۱۳۲- ره وه زبدهالی ۱۳۳-
النازمعین ۱۳۴- سیوان خدري ۱۳۵-
نسرين محمودی آذر ۱۳۶- رضا دانش
۱۳۷- اسماعیل ویسی ۱۳۸- سهند حسین
زاده ۱۳۹- رضا کمانگر ۱۴۰- محمد
نوری ۱۴۱- اسد گلچینی ۱۴۲- سعید
کرامت ۱۴۳- فریبا محمدی ۱۴۴- هاشم
ترکمن ۱۴۵- حسین مراد بیگی (حمه
سور) ۱۴۶- مهین دارایی ۱۴۷-
شهنازامانی ۱۴۸- علی عبدالی

به مناسبت هفته حکمت : ادبیات و مباحثی که به کمونیسم کارگری در عراق شکل داد (معرفی دوجلد منتخب آثار منصور حکمت به زبان کردی)

رحمان حسین زاده

چند ماه قبل و در اوایل سال ۲۰۰۹ دو جلد منتخب آثار منصور حکمت در کردستان عراق منتشر شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. مناسب دیدم در هفته حکمت با معرفی این آثار و نشان دادن تأثیرات تعیین کننده مباحث گردآوری شده این دو جلد در شکل دادن به جنبش کمونیستی کارگری کردستان عراق و از این طریق در عراق از ابتکار پرارزش دوستداران حکمت و کمونیستهایی که با پشتکار فراوان این اقدام را به سرانجام رساندند، قدردانی کنم.

سالار رشید مبتکر اول این اقدام مهم در مقدمه ای که در جلد اول منتشر شده است، نوشته است: "به دنبال تلاش و زحمات فراوان بیش از یک سال و نیم، توانستیم برای اولین بار، تقریباً تمامی ادبیات منصور حکمت که به زبان کردی ترجمه شده اند، از این سایت و آن سایت، از میان جزوات و نشریات مختلف، در کردستان و خارج کردستان گردآوری کنیم، مجدداً آنها را تایپ کنیم و همه آنها را مجدداً ادیت کنیم تا به شکل فعلی در اختیار خوانندگان و مبارزین سیاسی به طور کلی و کارگران و فعالین کمونیست به ویژه قرار بگیرد. بیگمان این ادبیات در مبارزه و فعالیتشان به ابزاری کارا و موثر و انرژی بخش تبدیل میشود"

دو جلد منتخب آثار حکمت به زبان کردی شامل ۵۲ مبحث از میان انبوه مباحث تئوریک، سیاسی، برنامه ای، سبک کاری و سازمانی منصور حکمت است. این مجموعه با مبحث تئوریک مهم "افسانه بورژوازی ملی و مترقی" که اولین بار بخش یکم آن در تابستان ۱۹۷۹ منتشر شده، آغاز میشود و با مباحث "دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر" و سه سخنرانی کوتاه پالتاکی او در پایان سال ۲۰۰۱ که در واقع آخرین اثرات فعالیت سیاسی این انسان بزرگ است، به پایان میرسد. مطالب آغاز و پایان منتشر شده در این دو جلد به نحو سمبلیکی خود گویای فاصله زمانی حیات سیاسی پر بار منصور حکمت به عنوان رهبر مارکسیست دو دهه پایانی قرن بیستم و ایضاً نشان دهنده نقش مستقیم کمونیسم حکمت در شکل دادن به جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان عراق و سپس کشور عراق در این دو دهه است. این تأثیر گذاری مستقیم به ایجاد سازمانها و نهادها و محافل کمونیستی و سپس نزدیک شدن و اتحاد آنان منجر شد که در سال ۱۹۹۳ حزب کمونیست کارگری عراق را تشکیل دادند. ترجمه و گردآوری و

انتشار این مباحث تنها حاصل علاقه جمعی انسان کمونیست دوستدار منصور حکمت نبوده که گویا در یک مقطع زمانی کوتاه تصمیم گرفتند، تا دو جلد کتاب مارکسیستی را به گنجینه مارکسیستی موجود اضافه کنند. تک تک مطالب گردآوری شده به دلیل نیاز کمونیستهای کردستان عراق و سپس عراق به تئوری و سیاست کمونیستی در مبارزه طبقاتی رشد یابنده جامعه از اوایل دهه هشتاد میلادی در میان کمونیستهای کردستان عراق به عنوان سلاح برنده مبارزه کمونیستی در میان آنها جا باز کردند. فضای فکری و سیاسی و مبارزاتی جریانات و گروهها و محافل مارکسیستی را تحت تأثیر قرار دادند. برای هر کس که مثل من این شانس را پیدا کرده باشد، پای صحبت تعداد قابل توجهی از رهبران و فعالین کمونیست کارگری در کردستان عراق و عراق نشسته باشد، بازگویی ابعاد متنوع و پر جنب و جوش و پرکار و پر از خطر و ریسک به دست آوردن ادبیات کمونیستی منصور حکمت در دل اختناق سیاه و بیسابقه رژیم بعث و صدام خود داستان شنیدنی است. در این بازگویی رهبران و فعالین کمونیست و چپ اوایل دهه هشتاد میلادی کردستان عراق تعریف میکنند، با درک ماهیت ناسیونالیستی و پوپولیستی و بورژوازی حزب شیوعی عراق (حزب برادر حزب توده ایران) و کومه له ره نجه ران کردستان عراق به عنوان دو نیرویی که در عراق و کردستان خود را "چپ و کمونیست" مینامیدند، در جستجوی آلترناتیو کمونیستی متعلق به جنبش طبقه کارگر و مردم زحمتکش بودند. در این راستا تحولات چپ و کمونیسم ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ را تعقیب میکردند و از مسیر کومه له در کردستان ایران، دستیابی به "افسانه بورژوازی ملی و مترقی" و به دنبال ادبیات عمیقاً مارکسیستی و زیر و رو کننده منصور حکمت توجه آنها را جلب میکند. برایت تعریف میکنند از آن تاریخ به بعد با چه سرعتی کتابها و جزوات و مطالب حکمت را در نسخه های محدود به دست می آوردند و شب و روزهای فراوان و توسط جریانات و محافل کمونیستی و فعالین متعدد و بنا به امکانات محدود شرایط فعالیت زیر زمینی به دست نویسی و کپی کردن و باز تکثیر و پخش آن در میان محافل چپ و کمونیستی مشغول میشوند. برایت تعریف میکنند، چگونه ساعتهای فراوان رادیو صدای انقلاب ایران (رادیوی کومه له در کردستان ایران به زبان کردی) را و به ویژه برنامه ویژه "درسهای مارکسیسم" را گوش میدادند، تا ادبیاتی که از منصور حکمت پخش میشود را ضبط کنند و سپس آن را پیاده و مکتوب کنند، به تکثیر آن بپردازند و ترجمه

به زبان عربی را شروع کنند و آن را به دست کمونیستهای مشتاق در سراسر عراق برسانند. (همین جا اشاره کنم دو سال قبل آثار منتخب یک جلدی منصور حکمت به زبان عربی منتشر شده است). برایت تعریف میکنند حول این مباحث چه تعداد بیشمار سمینارها و جلسات مباحثه سیاسی در میان طیف وسیع چپ آن هم در شرایط فعالیت مخفی را سازمان دادند و یک جنبش آگاهگری وسیع مارکسیستی راه انداخته شد. برایت تعریف میکنند که چگونه حول مارکسیسم انقلابی و سپس کمونیسم کارگری منصور حکمت صف بندیهای جدید و جریانات چپ و کمونیستی نوین شکل گرفتند، که قطب رادیکال جامعه را نمایندگی کنند. برایت تعریف میکنند که از طریق این جریانات چگونه ادبیات کمونیستی حکمت به محیط های کارگری، روشنفکری و دانشگاههای کردستان عراق و سراسر عراق از سلیمانیه و اربیل و کرکوک و رانیه و قلعه دزا گرفته تا بغداد و ناصریه و بصره و موصل و ... راه پیدا کرد، به نحوی که حساسیت رژیم فاشیستی بعث را برانگیخت

به عنوان ادبیات ممنوعه دارندگان آن سر از زندان در میاورند. تنها به عنوان نمونه با برجیده شدن بساط رژیم بعث در کردستان عراق، بیشترین زندانی سیاسی آزاد شده در مارس ۹۱ از زندان شهر سلیمانیه کمونیستهای هم خط منصور حکمت بودند.

از مارس ۱۹۹۱ و با برجیده شدن حاکمیت فاشیستی رژیم بعث در کردستان عراق شرایط جدیدی برای ابراز وجود کمونیستها بوجود آمد و ما شاهد شکل گیری و عروج جنبش شورایی کردستان عراق با پرچم آزادی و برابری و آشکارا متاثر از سیاستهای منصور حکمت بودیم، به نحوی که جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی و رئیس جمهوری فعلی عراق در یکی از سخنرانیهای علنی خود در سال ۱۹۹۲ عروج جنب شورایی و کمونیسم و رادیکالیسم در کردستان را به پای منصور حکمت نوشت. در ادامه این روند، پیدایش جنبش رادیکال بیکاران و جنبش سوسیالیستی و برابری طلبانه زنان و جنبش ایجاد تحزب کمونیستی و سرانجام ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق در جولای ۱۹۹۳